



گزارش

مراجان قندی خبرنگار

زندگی برای خانواده محکومان به قصاص برمدار بیم و امید روزهای اجرای حکم نزدیک می شوند در دلشان غوغایی برپاست. روز اجرای حکم پشت دیوار زندان به تنها کسانی که امید دارند صلح یارانی است که در غیاب خانواده های محکوم به قصاص تلاش می کنند از اولیای دم رضایت بگیرند؛ صلح یارانی که برای گرفتن رضایت به همه چیز جنگ می زنند و تلاش می کنند تا زندگی دوباره به فرزند یک مادر چشم انتظار در آن سوی دیوار زندان ببخشند. روی میز صلح یاران پر از پرونده هایی است که برای رضایت ارجاع شده و همیشه مشغول تماس با خانواده اولیای دم برای گرفتن رضایت هستند. آنها از هر فامیل نزدیک تر هستند و مانند خواهر و برادر خونی شان با خانواده محکومان به قصاص و خانواده های اولیای دم همدردی می کنند. خانم «آذر شهنساری» یکی از همین صلح یارانی است که به اولین مادر صلح ایران مشهور شده است. او به همراه تیم واحد صلح و سازش دادسرای جنایی تهران در مدت ۹ سال توانسته است ۳۷۰ نفر از زندانیان محکوم به قصاص نفس را با گرفتن رضایت از خانواده های اولیا دم به زندگی بازگرداند.

مادرانه ای برای غریبه ها

مصمم و پرشور از نحوه رضایت گرفتن از خانواده های اولیای دم می گوید. متولد دشتستان است و به گفته خودش کارهای خیری که پدر انجام می داد مسیر زندگی و آینده اش را جهت داده و بیذر علاقه به امور خیریه را در نهادش کاشته است. حضور پررنگ او در عرصه های اجتماعی در دوره های مختلف مثل پیروزی انقلاب اسلامی، جنگ تحمیلی و بعد از آن در خیریه شهنساری، شبکه سازمان های غیردولتی زنان، واحد صلح و سازش دادسرای جنایی و... نه تنها هیچ موقع متوقف نشد بلکه هر روز پرزنتی تر می شود. در سال های اخیر حضور این بانوی شیرازی به عنوان رئیس کمیته سفیران صلح و دوستی انجمن حمایت از زندانیان کشور و عضو فدراسیون بین المللی مددکاران جمهوری اسلامی ایران و فعال واحد صلح و سازش دادسرای جنایی تهران ویژه قتل بیشتر از همه تأثیرگذار

صحتش گذاشته می تواند خانواده های اولیای دم را راضی کند. شهنساری از تجربه اش در این سال ها درباره رضایت گرفتن از خانواده های مقتول می گوید: «این خانواده ها روح بزرگ و قلب بسیار مهربانی دارند. وقتی می خواهیم با خانواده اولیای دم قرار ملاقات رسمی بگذاریم حتماً با حکم و هماهنگی انجمن حمایت از زندانیان کشور و با برکه مأموریت زیر نظر دادستان مرکز این خانه خانواده اولیای دم می شوم احساس می کنم می خواهم به خانواده خودم سر بزنم و این حس را به آنها هم منتقل می کنم. پس از اولین ملاقات، هربار که با آنها تماس می گیرم و یا خودشان به من زنگ می زنند فرقی نمی کند زن باشد یا مرد و چه سنی داشته باشد، همه مرا به عنوان مادر می شناسند و در اولین تماس می گویند: «سلام مادر خوبی؟» ارتباط بین ما برقرار می شود اما بیسته به موضوع هر پرونده مدت

زندگی تازه ای برگردانم. از ۳۷۰ نفری که برای هر کدام شان روزها و حتی سال ها تلاش کردم و حتی شده برای جمع آوری دیه مجبور شدم فیش حج تمتع ام را بفروشم اما فقط ۳ یا ۴ نفر هستند که پس از آزادی سراغم را می گیرند. در هر صورت چیزی جز نتیجه کار که گرفتن رضایت اولیای دم است برای تیم ما مهم نیست و زمانی که قتل صورت می گیرد، از ریش سفیدان، شورای حل اختلاف، ستاد ملی صبر، واحد صلح و سازش دادسرای



۳۷۰ محکوم به قصاص با تلاش واحد صلح و سازش دادسرای جنایی تهران آزاد شدند

مادر صلح



عکس: سجاد صفوری/ایران

بوده است. می گوید: «هر وقت کسی برای ارتکاب قتل محکوم به قصاص می شود، انگار که خودم محکوم به قصاص هستم. برای همین همه تلاش را می کنم تا از اولیای دم رضایت بگیرم چون این کار از زمینه بزهکاری فرزندان محکومان به قصاص پیشگیری می کند. در دنیا برخی ایران را به عنوان کشوری می شناسند که اعدای زیاد دارد اما این فرضیه کاملاً اشتباه است چون فقط پرونده هایی حکم اعدام دارند که در حوزه مواد مخدر یا موارد دیگری باشند که شاکه خصوصی ندارد. حکم اعدام با قصاص نفس متفاوت است؛ کار ما جلوگیری از اجرا شدن قصاص است و ما با اولیای دم طرف هستیم.» این فعال مدنی و اجتماعی معتقد است با انرژی که خداوند در وجود و لحن

زمان های متفاوتی برای آنها وقت می گذاریم، ممکن است رضایت گرفتن برای پرونده ای یک یا دو سال زمان ببرد یا اگر موضوع پرونده پیچیده باشد و یا قتل طایفه ای باشد باید رضایت افراد زیادی را بگیریم و به همین دلیل زمان طولانی تری نیاز است. مثلاً پرونده ای داشتیم که بعد از ۸ سال موفق شدیم رضایت خانواده اولیای دم را بگیریم. ما تا زمانی که کلمه «رضایت» را از زبان خانواده اولیای دم نشنوم دست از تلاش بر نمی داریم. شهنساری با بیان اینکه عنوان اولین مادر صلح ایران مسئولیت او را سنگین تر کرده است می گوید: «فکر می کنم برای خیلی از افسرانی که از زندگی ناامید شدند مادری کرده ام و با گرفتن رضایت توانستام آنها را دوباره متولد کنم و به

جنایی، قوه قضائیه و خانواده محکوم... همه تلاش می کنند تا از اجرای یک مورد قصاص نفس جلوگیری شود.» **شیرینی بخشش** خاطرات روزهایی که برای گرفتن رضایت شبندهای اولیای دم می رود بسیار شیرینی است. خاطراتی از جنس بخشش و مهربانی خانواده هایی که با وجود داغ سنگین حاضر می شوند از قصاص قاتل گذشت کنند. مادر صلح ایران از این خانواده ها این گونه می گوید: «وقتی وارد خانه اولیای دم می شوم احساس می کنم به خانواده خودم سری می زنم و این حس آنقدر واقعی است که به آنها هم منتقل می شود و هیچ کدام نسبت به هم احساس غریبی نمی کنیم. پرونده قتل مربوط به روستای جنت شهر

تلاش کنیم. در همان فرصت دومه با من تماس گرفت و گفت: «پس فردا خانه من باش!» پرسیدم چه اتفاقی افتاده که اینطور من را احضار کردی؟ گفت: «الان چیزی نمی گویم تا شما را روز جمعه برای ناهار اینجا ببینم.» به همراه تیم صلح و سازش دادسرای جنایی دوباره راهی داراب شدیم. بعد از اینکه از ما پذیرایی کرد کاغذ و خودکاری آورد و دست من داد و با همان جنس معجزه شدیم. بعد از آن گفت: «بنویس رضایت!» لحن جدی اش گفت: «چشم شیدر دل؟» گفت: «شما دفعه قبیل از اینجا رفتید، خواب پسر مرا دیدم که گفت: خواهرت آمد؟» گفتم: من که خواهر ندارم! گفت: من را از دست دادی اما حالا یک خواهر پیدا کردی.» خوابش را که تعریف کرد، گفت: «این را هم بنویس که حتی یک یار هم از خانواده قاتل دیده نمی خواهم.»

صاحبان در حکم و جلسات صلح و سازش و رضایت گرفتن از اولیای دم تجربه هایی از جنس معجزه می بینند. آنها حتی در تارک ترسین لحظاتی که اولیا دم حاضر به بخشش نمی شوند و برقصانند دارند امیدشان را از دست می دهند تا آخرین لحظه اجرای حکم.» این مادر یادآور می شود: «در این لحظات صلح یارانی مثل آذرخش به ما از هر دوست و آشنایی نزدیک تراست. در اتاق آنها در دادسرا همیشه باز است و روشنائی نور امید زندگی دادن دوباره به یک زندانی محکوم به قصاص در این اتاق کوچک و ساده همیشه در جریان است.»

صاحبان در حکم و جلسات صلح و سازش و رضایت گرفتن از اولیای دم تجربه هایی از جنس معجزه می بینند. آنها حتی در تارک ترسین لحظاتی که اولیا دم حاضر به بخشش نمی شوند و برقصانند دارند امیدشان را از دست می دهند تا آخرین لحظه اجرای حکم.» این مادر یادآور می شود: «در این لحظات صلح یارانی مثل آذرخش به ما از هر دوست و آشنایی نزدیک تراست. در اتاق آنها در دادسرا همیشه باز است و روشنائی نور امید زندگی دادن دوباره به یک زندانی محکوم به قصاص در این اتاق کوچک و ساده همیشه در جریان است.»

«آگهی مزایده عمومی یک مرحله ای» شماره ۴۰۳/۱۰/۰۰/۱۷. Advertisement for public bidding with details on dates, location, and contact information.